

# مهمترین کار چپ ها اتحاد است

دوشنبه ۲۶ مهر ۱۳۸۹ - ۱۸ اکتبر ۲۰۱۰  
یک قاره کامل در حرکت: چرا ملت های آمریکای لاتین شروع کرده اند با هم متحد شوند. مصاحبه با آلیدا گوارا مارچ  
Ron Augustin

## برگردان ناهید جعفرپور

در باره آلیدا گوارا مارچ: آلیدا گوارا مارچ دختر چگوارا و آلیدا مارچ است. وی که مادر دو دختر و پزشک کودکان و همچنین عضو حزب کمونیست کوبا است و همواره در راه میان محل کار و بیمارستان کودکان در هاوانا در رفت و آمد است، در پروژه های بشمارروشنگری و تعلیم و تربیت فعال است. آلیدا همچنین در مدرسه پزشکی آمریکا لاتین " اسکولا لاتینو آمریکانا د مدیسینا " و در مدرسه ابتدائی به شغل مدرسی مشغول است. وی کتابی در باره توسعه در ونزوئلا نوشته است و به صورت تنگاتنگ با مرکز تحقیقی چگوارا که توسط مادرش مدیریت می شود و از ده سال گذشته مدارک بسیاری را در باره چگوارا در آمریکای لاتین علنی نموده است همکاری می کند. این مدارک از سوی انتشارات " اوسیان پرس " منتشر گشته اند.

پرسش: سال هاست که شما برای تشکیل کنفرانس ها و علنی کردن نظرات سیاسی و شخصیت چگوارا حرکت می کنید و به همراه خانواده و دوستانتان بر علیه بازاری شدن عکس هایش و ساختن یک تصویر رنگ مذهبی و افسانه ای از وی اقدام نمودید. فکر نمی کنید که این تصویر رنگ مذهبی و افسانه ای که از وی ساخته شده است خود یک مبارزه طلبی می تواند باشد و توسط آن پرسش هائی مطرح می شود؟

پاسخ: من همیشه خوشحالم که تصویر پدرم انسانها را به آنجائی می کشاند که در باره ایده هایش بیشتر تحقیق کنند. اما بازاری شدن تصویر های وی را بی احترامی به خود شخصش و مرامی که داشته است و برایش حرکت نموده است می دانم. من برای مثال تصویر پدرم را روی یک پاکت سیگار در برلین بهنگام یک کارزار تجاری تبلیغاتی دیدم. چنین چیزی را نمی توانم تحمل کنم. اما هر بار که من عکس پدرم را روی پلاکارتی که جوان ها در تظاهرات ها استفاده می کنند می بینم تنها می توانم این مسئله را مثبت ارزیابی کنم چون می دانم که در این صورت انسانها می دانند و یا می خواهند بدانند که این مرد که بود.

**پرسش:** غالباً گفته می شود که شما زمانی که از پدرتان صحبت می نمائید در گذشته زندگی می کنید. گفته می شود که نظریات وی و واژه هائی چون اینترناسیونالیسم، کمونیسم، حقیقت سوسیالیستی کوبا همه چیزهائی هستند که به قرن گذشته تعلق دارند. پسر جمال اولین رئیس جمهور غنا گفته است که اینها " ایدآل های پریروز" هستند شما چه می گوئید؟

**پاسخ:** ما هیچگاه نمی توانیم به انسانها بگوئیم که چکار کنند اما فکر می کنیم که می توانیم حقیقت و تجربیات ملت مان را با دیگران در میان بگذاریم تا از آن بیاموزیم. من می گویم که ملت کوبا تنها از طریق سیستم سوسیالیستی با سایر ملت ها متحد شده است و همبستگی را تجربه کرده است. زمانیکه ما نومستعمره آمریکا بودیم کوبا 60 برومیل درصد مرگ و میر کودکان داشت. امروز این آمار 4,8 است. آنزمان بیسوادی 33 درصد جمعیت بود و امروز عملاً در کوبا بیسوادی ریشه کن شده است. ملتی با آموزش که می تواند روشنفکرانه در کنار ملتی دیگر قرار گیرد. زمانیکه ما نومستعمره آمریکا بودیم بهترین زمین های ما به یک شرکت تعلق داشت امروز اما زمین کوبائی ها تنها به کوبائی ها تعلق دارد و غیر قابل فروش است. آنزمان کوبا بدون اجازه واشنگتن هیچ کاری نمی توانست بکند اما امروز مردم کوبا عملاً تنها کسانی هستند در جهان که در این موقعیت قرار دارند به دولت آمریکا نه بگویند و روی این نه تا آخرین حد ثابت قدم باشند. اینها همه بشکرانه سیستم سوسیالیستی ماست. در باره واقعیت سیاسی اروپا چیز زیادی نمی توانم بگویم چون من در آنجا زندگی نمی کنم. اما برای ملت های جهان سوم این کاملاً ضروریست. بدون سوسیالیسم ما نمی توانیم جهانی با عدالت را خلق نمائیم.

**پرسش:** سرمایه داری تمایل دارد که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جهان را متحد سازد. مناسبات قدرتی کنونی برای یک فشار بالا به کوبا حرکت می کند. کوبا چگونه می تواند بعنوان یک جزیره سوسیالیستی در اقیانوس بیتفاوتی و از خود بیگانگی و مصرف گرایی و سیاست های استبدادی زندگی کند؟

**پاسخ:** در حال حاضر ما در آمریکای لاتین تحت یک شرایط خاص زندگی می کنیم. این قاره مجدداً شروع کرده است به رشد. جنبش های اجتماعی چون جنبش های اجتماعی برزیل وجود دارند. در ونزوئلا انقلاب اجتماعی وجود دارد. آلترناتیو های بولیواری توانسته اند که ملت های بولیوی، اکوادور، نیکاراگوئه و ونزوئلا را با هم متحد سازد. ما

شروع نموده ایم که خود را متحد سازیم و مردم هم دارند خوبی های این اتحاد را لمس و درک می کنند و چنین است که این جنبش ها می توانند خود را حفظ کنند. ما می خواهیم که ملت ها یک اتحادی را به وجود آورند که بتوانند در سطوح اقتصادی و اجتماعی همسان باشند بدون اینکه کسی در مسائل داخلی شان دخالت کند. با احترام به تنوع فرهنگی هر ملت و اینکه هر ملتی از ملت دیگر بیاموزد.

از همه مهمتر اینکه در سطوح اقتصادی امکانات بسیاری وجود دارد که بتوان همدیگر را پشتیبانی نمود. از این روی در حال حاضر کوبا تنها نیست. جنبش ها بسیار قدرتمندند و از این امکان برخوردارند که در سال های آینده تغییرات مهمی را به وجود آورند. باید همچنان روی این مسئله کار شود. درست است که دشمن همچنین قدرتمند است و تلاش می کند هر موقعیتی را حساب شده دستکاری کند. برای مثال امروز 7 پایگاه نظامی آمریکائی در کلمبیا وجود دارد که خطری بزرگ برای ونزوئلا و اکوادور می باشند. این باید در بررسی ها مورد توجه قرار گیرد. ما در حال حاضر اوضاع سختی را تجربه می کنیم. اما با این وجود وضعیتی بهتر از 15 یا 20 سال پیش بعد از فروپاشی شوروی داریم که عملا کوبا در جهان تنها مانده بود.

**پرسش: در رابطه با آینده کوبا و قدرت های خودی نیروی جوان در رهبری سیاسی کشور کجا هستند؟**

پاسخ: در کوبا هنوز نسلی وجود دارد که ما آنان را تاریخ انقلاب نام نهاده ایم. این شخصیت ها از سوی مردم کوبا مورد احترامند. مشکل اینجاست که مردم اعتماد بسیار به این شخصیت ها دارند و همواره می خواهند که آنان در رهبری قرار داشته باشند. اما چیزی از نسل آینده کم نداریم زیرا که 15 وزیر داریم که بین 45 تا 50 سال سن دارند. وزیر آموزش 52 سال دارد - هیچکسی به من نگفته است که 52 سال پیر است چون من بزودی 50 ساله هستم ( با خنده)

اگر کسی از من سؤال کند که من به چه کسی رای می دهم مسلما من همواره رای می دهم به فیدل و رائل تا زمانیکه هستند می دهم و اگر زمانی هم دیگر نباشند من به کسانی چون این وزرا رای می دهم. آنها بعنوان رئیس جمهور کشورم مورد پسند من هستند چون به آنها اعتماد کامل دارم. این مسئله به ایدئولوژی وصل است و سال های طولانی تجربه کار پایه ای در آن نهفته است. این در رابطه سایر رفقای رهبریت حزب هم که تقریبا جوان هستند صادق است. در انتخابات این مهم است که هر چه بیشتر انسانهای بیشتری را جذب نمود.

**پرسش:** با توجه به اینکه چپ ضعیف و تکه تکه است چه در متروپل ها و چه در جهان سوم. آیا کوبا می تواند هنوز بعنوان یک نمونه عمل کند؟

**پاسخ:** نمونه ای که کوبا می تواند تصویرگر آن باشد، در یک کلمه چنین بیان می شود: اتحاد. اگر که ما بعنوان یک ملت اتحاد خویش را حفظ نمی کردیم نمی توانستیم تا به امروز سر پا باشیم. مهمترین کار چپ ها اتحاد است. البته این به آن معنی نیست که اختلافات پنهان گردند و یا از اصول پایه ای صرف نظر شود. بلکه ما باید تفاوت هایمان را بعنوان پیش شرط قبول نمائیم و اهداف مشترک را روشن سازیم. اهدافی که می توانند مبارزه مشترک ما را باعث گردند. این شاید همان نمونه ای باشد که کوبا به تمامی جهان نشان می دهد. تنها در اتحاد است که ما می توانیم برنده شویم و مقاومت و مبارزه کنیم.

**پرسش:** در روزنامه بریتانیائی گاردین چند سال پیش شما یک مقاله بنام " زمان زمان تنها صحبت کردن نیست بلکه زمان عمل است" را نوشتید که روی اروپائی ها تاثیر گذاشت و فکر کردند که بالاخره حقیقت بدهی تاریخی که شما در مقابل ملت های ما دارید را شناخته اند. آیا شما هم فکر می کنید که در به واقع می توان کاری کرد؟

**پاسخ:** آگاه شدن بسیار مهم است. اما موازی با آن کمبود اطلاعات هم وجود دارد. رسانه های اروپائی در مجموع علائق آمریکائی ها را تامین می نمایند. در یکی از روزنامه ها نقل قول وارونه ای از فیدل آمده بود. همه روزنامه های دیگر هم این نقل قول را بدون آگاهی به صحت آن چاپ نمودند. در واقع تحقیق جدی نمی شود. من با بسیاری از ژورنالیست ها در باره " لوس سینکو" کوبان 5 صحبت نمودم اما هیچ چیزی از آن بیرون نمی آید. آمریکا درباره مبارزه با تروریسم صحبت می کند و 5 مرد را در زندان نگه می دارد که بر ضد تروریسم در منطقه خود می جنگند. جوان هایش را به عراق و افغانستان می فرستد با کدام هدف؟ نه برای کمک به مردم آن مناطق بلکه تا بدان وسیله دسترسی به مواد اولیه را امنیت بخشد. من می توانم تنها به انسانها بگویم: " بیدار شوید و فکر کنید".

برگردان از اسپانیائی به آلمانی : نینا آگوستین